

دوکلمه پیرامون
نطق آقای مهندس بازرگان

**زمینه های
اختلاف نظر
با دیدگاه های
مهندس بازرگان!**



دوره هفتم، سال اول، شماره 99، پنجشنبه 1 آذر
ماه 1358 - تک شماره پانزده ریال

آقای مهندس بازرگان، نطقی در 25 آبان، در حسینیه ارشاد ایراد داشتند که در روزنامه ها انتشار یافت. در این نطق که آقای بازرگان «نه به صفت نخست وزیر سابق و نه به نام عضو شورای انقلاب»، ولی به خاطر توجیه سیاست دولت موقتی که در راس آن بودند و شکستن کاسه و کوزه علل سقوط دولت خود بر سر دیگران، ایراد داشتند، بار دیگر نشان دادند که نسبت به خود صادقند و معتقد به همان سیاستی که با جریان انقلاب ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه ایران، ناسازگار بود، و به همین دلیل هم سقوط کرد.

در این نطق هم، مانند نطق های پیشین نخست وزیر سابق، آقای بازرگان نام امپریالیسم آمریکا را به عنوان دشمن اصلی خلق و کشور ما بر زبان نیاوردند. در تمامی این نطق نام آمریکا فقط یکبار، آن هم در یک جمله عجیب آمد: «در آن شرایط پیروزی انقلاب، این اندازه عداوت و کینه نسبت به آمریکا وجود نداشت، مسئله محاکمه شاه و پس گرفتن پول او (پول او؟!) نبوده اعدام او نبوده. حداکثر خواست ما (کدام ما؟) این بود دست او از ایران کوتاه شود.»

آقای بازرگان محتوی و هدف اصلی انقلاب را «عداوت و کینه» نسبت به انقلاب می داند، که قاعدتا چیز بدی است، زیرا «حداکثر خواست ما» کوتاه کردن دست شاه از ایران بوده است. ولی اگر این نظر درست است، می توان از آقای بازرگان پرسید که: پس چرا بعد از این که شاه رفت و دست او از ایران کوتاه شد، جنبش انقلابی بختیار را هم جارو کرد و دست او را هم از ایران کوتاه کرد؟ مگر جارو کردن بختیار به این دلیل نبود که او نیز مانند شاه «نوکر بی اختیار» امپریالیسم آمریکا بود و شعار انقلاب، «بعد از شاه نوبت آمریکا؟»

محتوی و هدف اصلی انقلاب ایران، ضد امپریالیستی و تامین استقلال کشور در تمام ابعاد آن است و هر کس این واقعیت را نفهمد، خواه نا خواه نمی تواند با انقلاب ایران همپا حرکت کند. متأسفانه سیاستی که آقای بازرگان بیانگر آنند در همین جا می لنگد. این سیاست سقوط شاه (و نه حتی سلطنت) را نه مرحله نخستین انقلاب، نه شکستن سدی برای تداوم

انقلاب ضد امپریالیستی تا تامین استقلال واقعی و کامل کشور، بلکه **یگانه** هدف انقلاب می داند، که پس از دستیابی بدان، **انقلاب تمام شده است**.

آقای بازرگان گفته اند: «توده ها و چپی ها هم مبارزه با امپریالیسم را شعار خود قرار داده بودند و نه سقوط شاه . . .»

ایشان توجه ندارند که سقوط شاه جزئی از مبارزه با امپریالیسم، مرحله اول این مبارزه، انقلاب اول است تا پس از آن بتوان «انقلاب دوم را که بزرگتر از انقلاب اول است» به پیروزی رساند. توجه ندارند که مبارزه با امپریالیسم، بدون سقوط شاه، بدون واژگون کردن رژیم شاه، ممکن نبود.

پس از سقوط شاه، از نظر آقای بازرگان، تمام خواست هایی که از جانب هر کس، هر قشر و طبقه اجتماعی هر گروه و حزب سیاسی، هر نیروی انقلابی مطرح شد، از جمله خواست تصفیه ادارات و یا پاکسازی و نوسازی ارتش، «انتقام جویی» بوده است! از نظر ایشان، «خلاصه انتقام جای انقلاب و هدف انقلاب را گرفت»!

اگر فقط سقوط شاه یگانه هدف انقلاب باشد، هدف همان «**مشروطه منهای شاه**» باشد، قرار باشد که ساختار اقتصادی - اجتماعی ایران بلا تغییر بماند، «چون وابسته بوده ایم بناچار می بایستی وابسته بمانیم»، در چنین صورتی، حق با آقای بازرگان است.

کم لطفی آقای بازرگان نسبت به «چپی ها» نیز، مانند گذشته در این نطق بار دیگر انعکاس یافته است. چپ نماها، چپ روها و حزب توده ایران - همه این ها از نظر آقای بازرگان «چپی ها» هستند که: «پس از پیروزی انقلاب . . . همه آمدند تا بر این خوان یغما بر سر خوان نعمت، سهم و نصیب و بهره و یا غنیمت ببرند، یعنی یک حالت ضد دموکراسی پیدا شد.»

اولا، چرا «حالت ضد دموکراسی»؟ **منع فعالیت «چپی ها» دموکراسی است؟** اگر چنین است آن وقت باید قبول کرد که شاه مخلوع بهترین «دموکراسی ها» را در کشور برقرار کرده بود.

ثانیا این کدام «خوان یغما» است که «چپی ها» بر سر آن ریخته اند؟ از آزادی در زادگاه خود بهره مند بودن، از مهاجرت سیاسی اجباری به وطن عزیز بازگشتن، ریختن بر سر خوان یغما است؟

ثالثا آقای بازرگان، که خود مدت ها در زندان به سر برده اند، نه با «چپی ها» به طور کلی، بلکه دقیقا با توده ای ها هم زنجیر بوده اند، مورد احترام همان توده ای های زندانی بوده اند. آیا کم لطفی پیگیر آقای بازرگان نسبت به توده ای ها تا درجه ای است که فراموش کنند توده ای ها زندانیان 25 ساله داشتند، به چوبه های اعدام بسته شده اند، با رژیمی خائن و جانی برای سرنگونی آن، برای آزادی، استقلال و آبادی ایران، به مدتی معادل عمر یک نسل جنگیده اند و قربانی داده اند و اکنون نیز با صداقتی که هیچ ایرانی وطن دوست و مومن به انقلاب نمی تواند نسبت به آن شک کند، پیگیر و با تمام نیروی جسم و جان خود برای پیروزی نهایی انقلاب بزرگ ایران مبارزه می کنند؟